

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و سوم - بهار ۱۳۹۸

ص ص: ۱۲۵-۱۵۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۰

## واکاوی تجربیات فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از

### احساس پوچی و بی معنایی: مطالعه ای پدیدارشناختی

علی ایمان زاده<sup>۱</sup>

سریه علیپور<sup>۲</sup>

صدیقه محمدزاده<sup>۳</sup>

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربیات فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز از احساس پوچی و بی معنایی است. روش مورد استفاده این پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری است. شرکت کنندگان در این پژوهش ۲۰ نفر از دانشجویان دختر فارغ التحصیل دانشگاه تبریز بودند که به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها با توجه به مصاحبه های عمیق، فردی و نیمه ساختاریافته گردآوری شد و تا زمان اشباع داده ها مصاحبه ها تداوم پیدا کرد. پس از پیاده سازی مکتوب مصاحبه، بر اساس رویکرد هرمنیوتیک و بر اساس روش دیکلمن، تانر و الن (۱۹۹۸) مصاحبه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته های حاصل از تجربیات زیسته دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه تبریز در خصوص احساس پوچی و بی معنایی در ۳ مضمون اصلی " علل و عوامل احساس پوچی و بی معنایی "، " رفتارهای تخریبی " و " راههای کاهش و غلبه بر احساس پوچی و بی معنایی " و ۱۳ مضمون فرعی شناسایی شد. بر اساس یافته های پژوهش می توان با راهکارهایی نظیر بازنگری در سیاست های دولتی، تربیت دانشجویان کارآفرین، برگزاری دوره های مهارت آموزی، خدمات مشاوره ای شغلی، روانی و دینی و تغییر در نگرش های سنتی آزارنده بر این احساس پوچی و بی معنایی در این قشر فائق آمد.

#### واژه های کلیدی: تجربیات زیسته، دانشجویان فارغ التحصیل زن، احساس پوچی و بی معنایی

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

aliimanazadeh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد بهسازی منابع انسانی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. کارشناسی ارشد بهسازی منابع انسانی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

## مقدمه

تربیت نیروی انسانی کارآمد و مؤثر از جمله وظایف اصلی دانشگاه‌ها به حساب می‌آید و از آنجا که بدنه اصلی دانشگاه و نیروی محرکه پیشرفت آینده یک جامعه را دانشجویان تشکیل می‌دهند، توجه به تربیت اخلاقی منطبق با ارزش‌های فرهنگی مقبول جامعه، در کنار ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش و افزایش بازدهی دانشگاه‌ها، از مسائل مهم در هموارسازی مسیر پیشرفت کشور به شمار می‌رود و می‌تواند کمک شایانی به سلامت اخلاقی، فرهنگی، و اجتماعی کشور، حفظ هویت فرهنگی جامعه، و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کند (گریسورلد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). از اینکه دانشگاه دیگر به همگان تعلق دارد و نه به عده معدود "نخبگان" خرسندیم، اما بیم آن می‌رود که معیارهای یادگیری، خلاقیت و نوآوری افول کنند و "کیفیت" و "کمال" به مفاهیم پوچ و بی معنا تبدیل شوند، و به تعبیر ری‌دینگز از دانشگاه جز ویرانه‌ای آباد به جای نماد (لوکز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). بنابراین بر اساس نظریه‌های وجودی (هستی نگر) نداشتن احساس معنا و هدف در زندگی آزاردهنده است و تجربه بی‌حوصلگی و عواطف منفی عوامل این نداشتن معنا و هدف در زندگی است (شلی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). یکی از معروفترین تعاریف معنای زندگی، توسط فرانکل در سال ۱۹۸۴ ارائه شده است. به اعتقاد وی معنا بخش بودن زندگی، عبارت است از پاسخ مثبت به زندگی و هر آنچه با آن روبرو شویم خواه آن چیز رنج و یا مرگ باشد. در نهایت انسان سرنوشت را پذیرفته و برای رنج خویش معنایی می‌یابد (فرانکل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). داشتن معنا در زندگی به حالتی اطلاق می‌شود که براساس آن دریافت شخص از تجارب زندگی بر این حس متکی است که رویدادهای زندگی هدفمند هستند و در راستای آن هدف شکل می‌گیرند و تلاش برای جست و جوی معنا به فعالیت و شدت تمایل افراد به یافتن، ساختن و یا بحث در مورد معنای زندگی اطلاق می‌شود (استجر، فرازیر، اوشی و کالر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و معنای زندگی اشاره به نوعی از احساس ارتباط با خالق هستی، داشتن هدف در زندگی، تعقیب و نیل به اهداف بالارزش و رسیدن به تکامل دارد. معنای زندگی در اصل ماهیت شناختی دارد، چرا که دربردارنده باورهای افراد در مورد وجود یک هدف غایی در زندگی، اعتقاد به معنویات و زندگی اخروی است. در واقع، داشتن معنا در زندگی، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رفاه انسان و رضایت از زندگی می‌باشد (هومی چونگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). زندگی معنادار زندگی‌ای است که فرد به اهداف با ارزش و مبتنی بر اختیارش نائل شود که در عین حال، می‌تواند اخلاقمند، سعادت‌مند و رضایت بخش نیز باشند، ولی ضرورتاً مرادف با اخلاق، سعادت، شادی و درستی نباشند؛ برای مثال، یک کشف علمی می‌تواند برای کسی معنادار و دارای غایتی با ارزش باشد

- 1 . Grisworld
- 2 . Lucas
- 3 . Shelley and all
- 4 . Frankl VE
- 5 . Steger, Kashdan, Sullivan & Lorentz
- 6 . Ho MY, Cheung

ولی ربطی به اخلاق نداشته باشد؛ یا زندگی فردی با فدا کردن خود برای رفاه شخصی دیگر معنادار باشد، ولی ضرورتاً مایه شادی و آسایش خود او نباشد (متز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). مطابق تعریف ویجرز، یک زندگی زمانی حائز معنای راستین است که همزمان دارای معنای شخصی و عینی باشد، به نحوی که معضل پوچی را برطرف کند معنای شخصی آن است که یک فرد، در درون خود و با معیارهای شخصی و درونی، زندگی خویش را معنادار بداند. معناداری عینی آن است که زندگی یک فرد، از منظر سوم شخص و مستقل از این که فرد خود زندگی اش را معنادار می‌داند یا نه، معنادار باشد. بنابراین معنای راستین زندگی تعریفی از معناداری زندگی است که همزمان معیارهای شخصی و عینی در معناداری زندگی را حفظ می‌کند و، علاوه بر این، این معناداری‌های شخصی و عینی به نحوی هستند که معضل پوچی را برطرف می‌کنند (ویجرز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). کسانی که زندگی خود را معنادار می‌بینند، اعتقاد دارند که زندگی هدف مهمی دارد و قابل فهم است. در واقع هنگامی فرد می‌تواند احساس کند که از زندگی معناداری برخوردار است که چهار نیاز او به معناداری، ارضا شده باشد. این چهار نیاز عبارتند از: هدفمند بودن جهت زندگی، احساس کارآمدی و کنترل، برخوردار بودن از مجموعه‌ای از ارزش‌ها که بتواند با آنها کنش‌هایش را توجیه کند و وجود مبنای باثبات و استوار برای داشتن نوعی حس مثبت خود ارزشمندی (بامیستر و نیومن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱).

دیدگاه‌های متفاوتی در باب احساس پوچی و بی‌معنایی افراد ارائه شده است:

اریک فروم<sup>۴</sup> در کتاب گریز از آزادی به این امر اشاره دارد که هرچه افراد آزادی بیشتری داشته باشند احساس تنهایی و پوچی و بیگانگی بیشتری دارند و برعکس هر چقدر افراد آزادی کمتری داشته باشند، احساس تعلق پذیری و امنیت آنها بیشتر است (۱۹۹۴، ص ۹۸). از دیدگاه رولو مای<sup>۵</sup> احساس تهی بودن معمولاً ناشی از آن است که فرد خود را در تاثیرگذاری بر زندگی خود و دنیای خود ناتوان می‌بیند (۲۰۰۹، ص ۳۹). در دیدگاه فروید انسانها در یک جامعه تنها برای یک هدف تلاش می‌کنند و آن لذت بردن و رفع نیازها و غرایز موجود در انسانهاست و اگر آن‌ها به خاتمه برسند در نهایت یک انسان پوچ‌گرا می‌شوند (کلاین، ۲۰۱۳). از دیدگاه آدلر<sup>۶</sup> پوچ‌گرایی ذاتی انسان ناشی از ناامیدی انسان در توانایی قدرت طلبی و کسب مقام و شان بالاتر است (راینر<sup>۷</sup>، ۱۹۵۷). از دیدگاه فرانکل نیز عدم معنایابی انسان در زندگی باعث احساس پوچی در انسان می‌شود (کلاین، ۲۰۱۳). از منظر یالوم<sup>۸</sup> مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی ۴ دغدغه

- 
- 1 . Metz
  - 2 . Weijers
  - 3 & Newman & . Baumeister
  - 4 . Fromm
  - 5 . May, R.
  - 6 . Adler
  - 7 . Rayner
  - 8 . Yalom

عمده انسان اگزیزستانسیال است. پادزهر پوچی و بی معنایی حاصل از منظر کیهانی، خیزش و تعهد به سمت عمل است. از منظر دینی، عالم هستی عالمی هدفدار است و خلقت انسان هدفدار بوده (سوره مومن، آیه ۱۱۵) و عدم خودشناسی و خداشناسی و عدم شناخت واقعی از مبداء و معاد عامل از خود بیگانگی و پوچی انسان است.

علیرغم وجود نظریه های متفاوت در باب احساس پوچی و بی معنای انسان، بررسی پژوهشهای انجام گرفته نشان می دهد که پژوهش مستقلی در باب این موضوع انجام نگرفته است و پژوهشگران هیچ مطالعه و پژوهشی را در بخش معنای زندگی که به بررسی تجربیات زیسته دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی فارغ التحصیل از احساس پوچی و بی معنایی پرداخته باشند پیدا نمودند که ضرورت انجام این پژوهش را تبیین می کند. اما در مورد خود معنای زندگی تحقیقات متعددی انجام گرفته است که همگی دلالت بر این موضوع دارند که نداشتن احساس معنا و هدف در زندگی آزاردهنده است .

کافتراس و پسارا<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نشان دادند که جوانانی که دارای معنی بیشتری در زندگی خود بودند، علائم افسردگی کمتری داشتند. ضمناً در مطالعه آنان، ارتباط معناداری بین سلامت عمومی جوانان با معنای زندگی آنان گزارش شد. و معنادار بودن زندگی سبب پایین آمدن سطح عواطف منفی مانند اضطراب و افسردگی می شود و در نهایت سبب کاهش خطر ابتلا به بیماری های روانی می گردد.

پاتریک و اندرسون در سال ۱۹۸۹ با پژوهشی نشان دادند که وجود معنا در زندگی مانند کلیدی است که می تواند گره مشکلات زندگی را باز نموده و باعث بروز کنش های مثبتی در افراد شود و از این رو اغلب زندگی معنی دار را از عوامل مهم سلامت روان شناختی می دانند (فلدمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

کروز<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) بر نقش معنا در زندگی به عنوان ضربه گیر در برابر استرس اشاره دارد و معتقد است افرادی که از حس قوی معنا در زندگی برخوردار هستند در برابر رویدادهای آسیب زای زندگی به خوبی مقابله می کنند.

با توجه به اینکه آمار فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی از دانشگاه های کشور روز بروز در حال افزایش است و قشر عظیمی از این فارغ التحصیلان در این مقطع دختران و زنان هستند و با توجه به موقعیت فعلی بازار کار و از طرف دیگر شاید ساختارهای اجتماعی و مدیریتی برای جذب فارغ التحصیلان

---

1. Kleftras G, Psarra E  
2. Feldman  
3 . Krause

زن متفاوت با مردان باشد، بررسی احساس پوچی و بی معنایی در زندگی فارغ التحصیلان این قشر می تواند بخشی از ابعاد زندگی شخصی و حرفه ای این قشر را تبیین کند.

## روش

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع رویکرد کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری است که هدف آن کشف تجربیات زیسته دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی فارغ التحصیل از دانشگاه تبریز است. در پدیده شناسی: ۱- پدیدارها ماهیت هستند. ۲- پدیدارها شهودیند. به عبارتی دیگر پدیدارشناسی نهضتی فلسفی است که به تحقیقی توصیفی برای تبیین پدیدارها می پردازد. برخی از پدیدارشناسان افراطی، پدیدارشناسی را بهترین طریق برای پرداختن به مضامین فلسفی و تنها راه برای آزمون صدق و کذب احکام فلسفی می دانند. در کل پدیدارشناسی علمی است توصیفی و غیر تجربی، یعنی قوانین آن بر اساس مشاهدات حسی صدق و کذب پذیر نیستند (یانگ، ۱۹۷۳). در حالت کلی سه رویکرد اساسی بر پدیدار شناسی حاکم است: پدیدارشناسی توصیفی، پدیدارشناسی هستی گرا، پدیدارشناسی تفسیری. در پدیدارشناسی تفسیری به فهم و تفسیر بیشتر از توصیف یک پدیده یا تجربه تاکید می شود (ایمان زاده و سلحشوری، ۱۳۹۰). این روش داده های غنی و بینش عمیقی در مورد تجربیات زیسته شرکت کنندگان می دهد و سطحی نیست (تودرس و هولوی، ۲۰۰۶). جامعه آماری پژوهش را دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه تبریز تشکیل می دادند که ۲۰ نفر از دانشجویان متمایل برای شرکت در پژوهش به بیان تجربیات خود پرداختند. روش نمونه گیری به صورت هدفمند بود که تا رسیدن به مرحله اشباع که تا تعداد ۲۰ نفر ادامه پیدا کرد انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۲۰ دانشجوی دختر بود و دامنه سنی آنها نیز بین ۲۴ تا ۳۴ سال و مدرک تحصیلی آنها از فوق لیسانس تا دکتری متغیر بود.

### جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان پژوهش

شماره شرکت کننده	سن	مدت فارغ التحصیلی	میزان تحصیلات
۱	۲۴	۱سال پیش	کارشناسی ارشد
۲	۲۹	۳سال پیش	کارشناسی ارشد
۳	۳۱	۱سال پیش	کارشناسی ارشد
۴	۲۷	۲سال پیش	کارشناسی ارشد
۵	۳۴	۱سال پیش	کارشناسی ارشد
۶	۲۵	۲سال پیش	کارشناسی ارشد
۷	۲۷	۱سال پیش	کارشناسی ارشد
۸	۲۹	۱سال پیش	کارشناسی ارشد
۹	۲۷	۱سال پیش	کارشناسی ارشد

کارشناسی ارشد	۴سال پیش	۲۷	۱۰
دکتری	۲سال پیش	۳۷	۱۱
<b>کارشناسی ارشد</b>	<b>۱سال پیش</b>	<b>۳۰</b>	<b>۱۲</b>
کارشناسی ارشد	۳سال پیش	۲۶	۱۳
<b>کارشناسی ارشد</b>	<b>۱سال پیش</b>	<b>۲۶</b>	<b>۱۴</b>
کارشناسی ارشد	۳سال پیش	۲۹	۱۵
<b>دکتری</b>	<b>۲سال پیش</b>	<b>۳۶</b>	<b>۱۶</b>
کارشناسی ارشد	۱سال پیش	۲۶	۱۷
<b>کارشناسی ارشد</b>	<b>۲سال پیش</b>	<b>۲۹</b>	<b>۱۸</b>
کارشناسی ارشد	۱سال پیش	۲۵	۱۹
<b>دکتری</b>	<b>۱سال پیش</b>	<b>۳۷</b>	<b>۲۰</b>

### ابزار سنجش

جهت جمع آوری اطلاعات و به منظور دستیابی به تجارب زیسته دانشجویان از روش مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شد. سوالات اصلی پژوهش معطوف به احساس پوچی و بی معنایی در دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه تبریز در مقطع تحصیلات تکمیلی بود. با توجه به اینکه مصاحبه نیمه ساختار یافته بود بعضی از سوالات نیز از دل پاسخ های شرکت کنندگان بیرون کشیده و مطرح شدند. مدت زمان مصاحبه ها نیز نیم ساعت تا ۵۵ دقیقه متغیر بود و سعی گردید مصاحبه ها در محیطی آرام و بدون عوامل مزاحم انجام گیرد. نمونه های مورد مصاحبه به روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند که نفر اول و دوم از افرادی بودند که به مرکز مشاوره دانشگاه مراجعه کرده بودند و بقیه افراد نیز طریق آنها شناسائی شدند. ملاک افراد برای شرکت در پژوهش جنسیت آنها، مقطع تحصیلی آنها و اشتغال آنها بود که از زنان و دختران تحصیلات تکمیلی انتخاب شدند که یا شغل پیدا نکرده بودند یا شغل متناسب با رشته تحصیلی خود را پیدا نکرده بودند و در حرفه ای غیر مرتبط کار می کردند. مصاحبه نیمه ساختاری با شرکت کنندگان به عمل آمد و نکات مبهم مصاحبه ها با واکاوی ها و سوالات پیگیرانه مصاحبه گر روشن گردید تا جایی که صراحت منظور آنان مشخص گردید. در روش اجرای پژوهش، به تمام افراد شرکت کننده هدف پژوهش به اختصار توضیح داده شد رضایت شفاهی شرکت کنندگان برای مصاحبه اخذ شد و به شرکت کنندگان گفته شد که برای اطلاعات و داده های آنها در مصاحبه امانتداری رعایت خواهد شد در ضمن به هر کدام از شرکت کننده توضیح داده شد که شرکت در این پژوهش پیامدهای جانبی برای آنان نخواهد داشت. افرون براین شرکت کنندگان آزاد بودند که هر موقع خواستند می توانند از ادامه همکاری صرف نظر نمایند. مصاحبه ها تا جایی ادامه داده شد که اشباع گزاره های در مصاحبه ها و نتایج آن حاصل گردد؛ بدین ترتیب که شرکت کنندگان جدید، ایده ی تازه ای را مطرح نمی کردند و ایده های افراد قبلی را تکرار می نمودند و پس از

مصاحبه با فرد ۱۸ مشخص شد که سه نفر آخر همان مطالب قبلی را تکرار کردند؛ لذا مصاحبه گر بعد از نفر ۲۰ مصاحبه را متوقف نمود. پس از پیاده سازی مکتوب مصاحبه ها از دستگاه ضبط صوت، مصاحبه ها بر اساس رویکرد هرمنیوتیک و بر اساس روش دیکلمن، تانر و الن (۱۹۸۹) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند (لاورتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). این روش یکی از مطلوب ترین روشهای هرمنیوتیکی برای استنتاج و استنباط تجربیات زیسته و نیات درونی افراد است (فینلای<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). به این ترتیب که ابتدا متن تمام مصاحبه ها، برای رسیدن به یک درک کلی از پدیده‌ی مورد مطالعه، چندین بار توسط محقق خوانده شد و پس از آن، مرحله‌ی دوم از فرایند تجزیه و تحلیل آغاز گردید. پس از مرور مجدد کل متن، خلاصه تفسیری مربوط به هر مصاحبه نوشته می‌شد. طی این مرحله، هر یک از مصاحبه ها با استفاده از روش تفسیر متون مورد بررسی و معانی آشکار و نهفته در توصیف های ارائه شده از طرف شرکت کنندگان، استخراج گردید. سپس هر یک از مصاحبه ها با توجه به معانی استخراج شده و همچنین در راستای تعیین تم‌های اولیه کدبندی گردید. در مرحله‌ی سوم، متون کدگذاری شده توسط محقق، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هدف عمده‌ی محققین در این مرحله رسیدن به یک درک مشترک از توصیفات ارائه شده از طرف شرکت کنندگان بود. در مرحله‌ی چهارم تناقضات موجود در تفسیرهای ارائه شده از طرف محقق، تبیین و برطرف گردید و بدین منظور، مجدداً به متن اصلی مصاحبه ها رجوع و یا در صورت ضرورت و برای توضیح و تبیین بیشتر موضوع، با مشارکت کننده‌ی مربوطه تماس حاصل می‌شد. طی مرحله‌ی پنجم و با استفاده از روش مقایسه و مقابله‌ی متون، نسبت به تعیین و توصیف تم‌ها اقدام گردید. حاصل این مرحله ۳ مضمون اصلی و ۱۰ مضمون فرعی بود که بر اساس تجارب شرکت کنندگان و در راستای تبیین تجربیات زیسته دانشجویان استخراج گردیده بود.

### یافته ها

از تحلیل مصاحبه های شرکت کنندگان سه مضمون اصلی حاصل شد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

#### مضمون اصلی ۱- علل و عوامل احساس پوچی و بی‌معنایی:

یکی از اصلی ترین مضامینی که از تحلیل مصاحبه ها بدست آمد علل احساس پوچی و بی‌معنایی هست که شرکت کنندگان به آن اشاره داشتند. شرکت کنندگان ناامیدی بخاطر نبود شغل، احساس حقارت، بلا تکلیفی و بی‌هدف بودن، احساس بازنده بودن، نبود انگیزه را دلیل احساس پوچی خود می‌دانند. دانشجویان به دنبال فارغ التحصیلی از دانشگاه این حس را تجربه می‌کنند و به نوعی خود را نزدیک به

1 . Laverty

2 . Finlay

خط پایان می بینند به خصوص اگر برنامه اشتغال تنظیم شده ای نداشته باشند احساسات ناخوشایندی سراغ شان رفته و افسرده و ناامید می شوند. این احساس بر روند زندگی روزمره آنان تاثیر می گذارد.

**مضمون فرعی ۱- ناامیدی بخاطر نبود شغل:** اشنايدر (۲۰۰۳) امید را مجموعه‌ای شناختی می‌داند که بر احساس موفقیت ناشی از منابع گوناگون (تصمیم‌های هدفمدار) و مسیرها (شیوه‌ی انتخاب شده برای نیل به هدف) استوار است. مسیرهای تفکر، انعکاس‌دهنده‌ی ظرفیت فرد برای تولید کانال‌های شناختی برای رسیدن به اهداف است و منابع تفکر هم عبارتند از افکاری که افراد درباره‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان برای عبور از مسیرهای برگزیده تعریف کرده‌اند تا به اهدافشان برسند.

"بعد از پایان دوره کارشناسی تصمیم گرفتم ارشد رشته خودم یعنی علوم تربیتی رو در دانشگاه تبریز ادامه بدم که بتونم در آینده شغل بهتری داشته باشم اما متاسفانه هیچ خبری از شغل و آینده روشن نیست و من افسوس میخورم که برای چی این همه وقت و هزینه کردم بخوام هم تو استخدامی آموزش و پرورش شرکت کنم باز هم با شکست مواجه میشم چون دو بار آزمون دادم که تعداد کمی رو پذیرش میکنند در حالی که انگیزه‌ای برای خوندن دوباره ندارم چون میدونم هیچ آینده‌ای برای من نیست کلا میشه گفت از زندگی نا امید شدم" (شرکت کننده ۱۹).

"کلا از پیدا کردن شغل ناامید شده‌ام. دیگر هیچ امیدی برای پیدا کردن شغل مناسب ندارم. هم سنم رفته بالا و هم شرایط کار روز به روز بدتر می‌شود" (شرکت کننده شماره ۷).

## مضمون فرعی ۲- بلاتکلیفی و بی هدف بودن:

هدف نتیجه یا پایانی است که کوشش‌های ما را سمت خود هدایت می‌کند. در واقع هدف نتیجه یا پایان یک واقعیت است که فرد کوشش‌هایش را برای کسب آن به کار می‌گیرد. همچنین هدف وضعیتی است که می‌خواهیم داشته باشیم و همان نتیجه مورد انتظار و یا مقصدی است که فعالیت‌های ما به سوی آنها جریان می‌یابد

"من نتوانستم در اداره دولتی استخدام شوم اما بنا به تخصصم توانستم یک مغازه خدمات اینترنتی اجاره کنم و از این راه کسب درآمد می‌کنم. بیکاری بعد از فارغ التحصیلی آن هم برای تک فرزند و تک دختر خانواده واقعا سخت است چرا که به امید بهبود زندگی خانواده ام ادامه تحصیل داده بودم، من خودم



بلا تکلیف مانده ام نتوانسته ام ازدواج کنم چون وضعیت مالی خانواده ام خوب نیست و در واقع جرات نمیکنم که به خواستگارهایم جواب مثبت بدهم. " (شرکت کننده ۱۲).

"وقتی تو دانشگاه تبریز رشته شیمی در مقطع کارشناسی ارشد قبول شدم تصمیم گرفتم دکترای رستم رو تو همین دانشگاه ادامه بدم و خوشبختانه قبول شدم بعد از اتمام تحصیلاتم با وجود داشتن دکترای تو سخت ترین رشته دانشگاه تبریز، بازم بیکارم، الان کاملاً گیجم که چرا فقط به تحصیلات عالیه فکر کردم. هیچ چیز به اندازه بلا تکلیفی معناداری زندگی را ازم نمی گیره؟! " (شرکت کننده ۱۱)

### مضمون فرعی ۳- احساس حقارت

فرد در حالت پوچی و بی معنایی در باورها و عقاید خود دچار ابهام و تردید شده، نمی داند به چه چیزی باید اعتقاد داشته باشد. یعنی زمانی که حداقل معیارهای فردی برای تصمیم گیری مشخص فراهم نیست، به عبارت دیگر انتظار چندانی از رضایت بخش بودن پیش بینی های رفتاری خود در آینده ندارد (ملوین، ۱۳۷۸).

"به نظر من اکنون دیگر مدرک داشتن یک ارزش جهت جذب به کار به شمار نمی رود چرا که تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی اینقدر زیاد است که در هر رشته ای هزاران جوان بیکار داریم و تنها کسانی جذب بازار کار میشن که خیلی خوش شانسن و گرنه یا باید بیکار باشن یا دنبال شغل آزاد، که اون هم سرمایه می خواد من خودم هم کلاسای پیسری تو کلاس داشتیم که چاره ای جز مسافر کشی ندارن. پسرها حداقل این انعطاف پذیری شغلی را دارند من چی بگم؟ و این واقعا دردآوریه که نمی تونیم در رشته تخصصی خودمون مشغول به کار بشیم و این همه تلاش و درس خوندن هیچ و متاسفانه جز احساس حقارت برامون چیزی نداشت" (شرکت کننده ۱۸).

"من از اینکه او مدم ادامه تحصیل دادم احساس حقارت می کنم. همیشه از طرف فامیل و آشنایانی که حداقل تحصیلات را دارند تحقیر می شود. آدم تا این موقعیت ها را تجربه نکنه، کامل درکش نمی کنه من چی میگم. هم مدرسه ای های من با اخذ دیپلم رفتن یک حرفه ای را یاد گرفتن و الان خیلی از من موفق ترند." (شرکت کننده شماره ۱۰).

### مضمون فرعی ۴- احساس بازنده بودن

"وقتی تو دانشگاه شیراز رشته فیزیک در مقطع کارشناسی ارشد قبول شدم تصمیم گرفتم دکترای رشته ام رو تو دانشگاه تبریز ادامه بدم و خوشبختانه قبول شدم و در نظر دارم تا دکترا رو تموم نکنم ازدواج نمیکنم چون رشته من ساخته و دردسر خودشو داره و من نمی تونم مسئولیت خانواده رو بر عهده بگیرم

چون به فکر فارغ التحصیلی هستم از طرفی هم این استرس رو دارم که سنم برای ازدواج داره بالاتر میره" (شرکت کننده ۲۰).

"حقیقت را بگم من الان احساس بازندگی می‌کنم چون من تمام عمرم و پولم را صرف درس و دانشگاه کردم به امید اینکه یه جایی استخدام بشم و یه جایگاهی تو جامعه داشته باشم درحالی که با مدرک دکتری دارم تو وبلاک مقاله‌های مردم رو تبلیغ می‌کنم که چن تومن پول در بیارم. درحالی که داداش کوچکتر از خودم دیپلم که تموم کرد رفت سراغ جوشکاری و میکانیکی الان خیلی موفق هست. بهترین زندگی را داره هم ازدواج کرده همه خونه زندگی داره ولی من هم از ازدواج موندم هم از شغل و کار. عمرم بیهوده هدررفت همین" (شرکت کننده ۱۶).

"تحصیل در موقعیت و شرایط فعلی یعنی باختن، باختن بهترین دوران عمرت، باختن آینده روشنت، تو دانشگاه باید سرکوفت استاد راهنمات و اساتیدت را بکشی و تو جامعه سرکوفت دوستان و اطرافیان، کاش ادامه تحصیل نمی‌دادم" (شرکت کننده شماره ۴).

### مضمون فرعی ۵- نبود انگیزه

انگیزه عامل بسیاری از فعالیت‌ها، از جمله یادگیری است. به عبارتی، در پشت پرده رفتارها، انگیزه وجود دارد. در واقع انگیزه آن چیزی است که به یادگیرنده انرژی می‌دهد و فعالیت‌های دانشجویان را هدایت می‌کند.

"به خدا خسته شدم اصلا انگیزه ی هیچ کاری رو ندارم با ۲۶ سال همه هدف هایی که در دوران دانشجویی داشتم همشون از بین رفت. چه اهداف و آینده ای برای خود ترسیم کرده بودم. دیگه اون دانشجوی باهوش و با انگیزه قبل نیستم که بهترین نمراتو و کارهای تحقیقی و پژوهشی رو داشت با خودم میگم برای چی این همه تلاش کنم در حالی که هیچ موقعیت شغلی برام وجود نداره کلا بی انگیزه شده ام. نه انگیزه کار دارم، نه انگیزه زندگی و نه انگیزه پیشرفت. در واقع یک مرده متحرکم" (شرکت کننده ۱۴).

"بین خودت هم بهتر میدونی آدم وقتی روبرش چراغ روشنی نبینه انگیزه ای برای ادامه راه نداره. من کارشناسی خوندم به امید شغل و آینده بهتر، ارشد خوندم باز شغل پیدا نشد. اصلا دیگه هیچ انگیزه‌ای برای زندگی ندارم اصلا کسی به فکر ما جونا نیس" (شرکت کننده شماره ۱۰).

### مضمون اصلی ۲- رفتارهای تخریبی

#### مضمون فرعی ۱- سرزنش والدین

"دختری ۳۱ ساله هستم تحصیلات کارشناسی ارشد دارم الان یک سال است که فارغ التحصیل شدم صبح تا شب توخونه بی هدف روزهامو شب می‌کنم و هیچ هدفی برای آینده ندارم. بیش تر از همه طعنه ها و سرکوفت‌های والدینم اذیت می‌کنه. ادعایشان این است که من در پیدا کردن شغل ناتوان هستم. میگن چرا همکلاسیهات شغل پیدا کردن و تو نتونستی پیدا کنی؟" (شرکت کننده ۳).

"من دو سه سالی پشت کنکور بودم بعد از چند سال تصمیم گرفتم برم دانشگاه وضع مالی هم خوب نبود سال ۹۰ رفتم دانشگاه و سال ۹۴ فارغ التحصیل شدم الان لیسانس صنایع غذایی دارم الان ۲۵ سالمه اما الان بیکارم خانوادم سرزنش میکنند میگن این چه رشته ای بود که رفتی.." (شرکت کننده ۶).

"من الان فارغ التحصیل شدم ولی نمی‌دونم چیکار کنم برای رشته ادبیات که خوندم هیچ شغلی پیدا نمیشه پدر و مادرم همش بهم طعنه میزنن که چرا درس خوندی باید تو روستای میموندی و به زندگیت ادامه می‌دادی. از یک طرف شغلی ندارم و از طرفی هم نمی‌دانم با سرزنش والدینم چیکار کنم" (شرکت کننده ۹).

"من ۲۹ سالم هست نه تنها جایی استخدام نشدم بلکه یک ریال پول ندارم. خدا می‌داند چه بر سر ما خواهد آمد نه تنها خودم دچار یاس و سرخوردگی شدم بلکه خانوادهم نیز ناامید شده‌اند واقعا چه فکر میکردند که دخترشان ۱۹ سال درس بخواند و آخرش هم بیکار باشد من و امثال من فرصتی بودیم که در این مملکت تبدیل به تهدیدمان کردند خدا به خیر بگذراند" (شرکت کننده ۲).

## مضمون فرعی ۲- نیش و کنایه های آشنایان

"خودم به چشم خودم دیدم که پسر همسایمون داشت از سرکار (کارگری) برمی‌گشت، یکی از همسایه‌ها گفت: بیچاره (الف.ج) چقد هزینه گذاشت تا پسرش درس بخونه در کار دولتی استخدام بشه ولی ببین چی شد با مدرک فوق لیسانس داره کارگری می‌کنه" (شرکت کننده ۴).

"من دیگه از این وضعیت خسته شدم همه چی به کنار، این نیش و کنایه و نگاه اطرافیان هم به کنار، نه راه پس دارم نه راه پیش" (شرکت کننده ۱۴).

"زن عموم چند روز پیش اومده بود خونه ما، با حالت تمسخر به من نگا کرد گفت به پسرم میگم درس بخون، میگه مامان دختر عموم فلانی خوند دیگه چی شد اونم بیکاره داره با مدرک فوق لیسانس تو آشپزخونه آشپزی میکنه تو هم با مدرک سیکل همون آشپزی رومی کنی حالا چرا اون همه پول بی زبون رو هدر بدم اون حرف زن عموم خیلی ناراحتم کرد بخدا انصاف نیس این همه طعنه بشنویم از مردم" (شرکت کننده ۱۳).

در بازار فعلی کار ایران درس خواندن نتوانست برای جوانان اشتغال به همراه بیاورد و امروزه جمعیت بیکاران تحصیل کرده کشور بیشتر شده است تعجب برانگیز اینکه با وجود بروز بحران بیکاری برای افراد دارای تحصیلات عالی، روند پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها همچنان ادامه دارد و دانشگاه‌ها برای ترغیب جوانان به درس خواندن مسابقه گذاشته‌اند.

### مضمون اصلی ۳- راههای کاهش و غلبه بر احساس پوچی و بی معنایی

#### مضمون فرعی ۱ - بازنگری سیاست های دولت:

وضعیت بیکاری در بین فارغ التحصیلان بسیار بالاست و این امر در تحصیلات تکمیلی آمارش بالاتر است و روز به روز هم بر آمار اضافه می شود و مهمترین مساله این است که دولت بایستی فکری برای اشتغال جوانان این نیروهای آماده به کار بکند.

"به نظر من بایستی یک سیاست درست در پیش گرفته شود؛ مثلا شاید حذف رشته های دارای تقاضای کم بازار و پذیرش محدود دانشجو یکی از این موارد باشد. در گذشته رشته های کشاورزی و ادبیات وضعیت خوبی نداشتند و بیشتر فارغ التحصیلان بیکار به این رشته ها مربوط میشد اما الان متأسفانه در بقیه رشته ها هم بیکاری زیاد شده و تعدادی از دانشجویان در مشاغل غیر مرتبط با رشته شان مشغول به کار میشن مثلا دوست من رشته شیمی فارغ التحصیل شده بود که مدیریت مدرسه رو بر عهده گرفته که شاید صلاحیت انجام اون رو نداره" (شرکت کننده ۱۷).

"تا دولت در سیاستهای اقتصادی و صنعتی بازنگری انجام ندهد و بخش خصوصی در این عرضه پیشقدم نشود، وضع روانی و اقتصادی و اشتغال این دانشجویان به همین منوال ادامه خواهد یافت. یک برنامه مدون چند ساله برای رفع این بحران بیکاری باید تدوین شود. آمار احساس پوچی و بی معنایی در دانشجویان خیلی بالاست. باید برای این معضل تدبیری اندیشیده شود" (شرکت کننده شماره ۱).

#### مضمون فرعی ۲- کارآفرینی دانشجویان

امروزه گستره وسیعی از فرهنگ سازی‌ها و به روزآوری آموزش های مورد نیاز برای رشد اشتغال های مولد و مفید در قالب مفهوم کارآفرینی در حال شکل گیری است. روند رشد کارآفرینی و اثرگذاری آموزش های کارآفرینی و به دنبال آن توسعه آموزش های تخصصی کارآفرینی نشان می دهد که آموزش کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان شده است، بلکه تحول در نسل های کارآفرینی و ارتقای سطح مهارت کارآفرینی را نیز در پی داشته است (هنری و همکاران، ۲۰۰۵). کارآفرینی باعث رشد و توسعه اقتصادی

کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته شده است. در واقع، آموزش کارآفرینی فعالیتی به شمار می آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه اندازی و اداره کسب و کار استفاده می شود و افزایش، بهبود و توسعه نگرش ها، مهارت ها و توانایی های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵).

"من کارشناسی نرم افزار دارم. تا دلت بخواد من دنبال شغل گشتم. شرکتی نبود که بهش سر نزده باشم. الان به این نتیجه رسیدم که آموزش عالی باید دانشجویان را به سمت کارآفرینی هدایت کند. وقتی ظرفیتهای بخش دولتی پایین است بهترین راه تربیت نیروهای کارآفرین در دانشگاه است" (شرکت کننده ۵).

"یکی از موانع پیش روی زنان عمدتاً عدم اعتقاد به مهارتهای کارآفرینی آنهاست. جامعه ما به این امر اعتقاد دارد که زنان مهارت و قدرت کارآفرینی پایینی دارند. به نظر من برای غلبه بر این موانع دانشگاه ها به آموزش های صحیح و علمی دانشجویان توجه کافی داشته باشند و با تقویت مهارت کارآفرینی در جوانان باعث بشه که یک دانشجو پس از اتمام تحصیلات نه فقط به دنبال آگهی استخدام بلکه خودش بتونه یک کار آفرین باشه تا هم معضل بیکاری کم بشه و نهایتاً خود دانشجو هم بتونه برای خودش درآمدی داشته باشه در این صورت هیچ دانشجوی فارغ التحصیلی احساس بی معنایی نخواهد کرد" (شرکت کننده ۱۵).

### مضمون فرعی ۳- مهارت آموزی:

یکی از هدف های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارتهای کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت آمیزی در محیط کار بهره برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف پذیری نظام آموزشی است.

"زمانی که من دانشگاه قبول شدم آن هم رشته عمران فکر می کردم حتماً بلافاصله پس از فارغ التحصیلی جذب کار میشم اما اکنون با وجود اینکه ارشدم رو هم گرفتم و میدونم که تخصص کافی تو رشته ای که خوندم دارم بازم بیکارم و ای کاش زمانم رو صرف یه شغل فنی می کردم قطعاً برای آینده ام خوب بود و می تونستم هزینه زندگی رو در بیارم" (شرکت کننده ۷).

"به نظر من باید دید جامعه نسبت به رشته کار دانش و فنی و حرفه ای تغییر کنه چون بیشتر مردم فکر می کنند فقط دانش آموزان ضعیف و ناتوان تحصیلی در این رشته ها تحصیل می کنن، اما بعضی

از دانش آموزان با علاقه به هنرستان میان و موفقیت های خوبی هم دارن اگه یه حامی داشته باشیم که از نظر اقتصادی مارو حمایت بکنه زمینه مهارت آموزی را برای ما فراهم بکنه خب بالاخره می‌توانیم از بلا تکلیفی دریابیم و یه هدف برا خودمون داشته باشیم" (شرکت کننده ۱).

" باید نگاه مسئولین و مردم نسبت به هنرستان‌ها تغییر اساسی داشته باشه زیرا مسئولین در حرف هنرستان‌ها را مهم تلقی می‌کنند اما این دیدگاه فقط در حد حرفه و خیلی در عمل به آن پایبند نیستند و خانواده‌ها هم باید ارزش کارهای فنی را درک کنند تا بتوانیم کشور را از این تنگنای اقتصادی نجات دهیم. کاش حرفه‌ای یاد می‌گرفتم که زودبازده بود" (شرکت کننده ۸).

#### مضمون فرعی ۴- خدمات مشاوره‌ای:

شرکت کنندگان در پژوهش اعتقاد داشتند که به دنبال افزایش سن و عدم دستیابی به شغل مناسب، معناداری زندگی این فارغ التحصیلان بشدت رو به افول است و خدمات مشاوره‌ای در حیطه شغل و روان دانشجویان می‌تواند در رهایی از این مشکل کمک کند.

"به نظر من یکی از راههای برون رفت از این مشکل خدمات مشاوره‌ای رایگان به فارغ التحصیلان است. دانشگاه و نهادهای اجتماعی به نظر من باید برای زندگی بعد از فارغ التحصیلی دانشجویان هم برنامه داشته باشند. احساس پوچی پدیده‌ای خطرناک است و اگر راه حلی برای آن پیدا نشود ممکن است جامعه را به خمودی بکشاند" (شرکت کننده شماره ۱۱).

" یکی از راههای غلبه بر احساس تنهایی، پوچی و بی معنایی فارغ التحصیلان بیکار خدمات مشاوره‌ای روان شناختی و شغلی است. باید مراکز مشاوره دانشگاه به ارزیابی بیرونی فارغ التحصیلان خود هم بپردازد. برنامه‌های پایش سلامت فارغ التحصیلان هم می‌تواند در این زمینه مفید باشد" (شرکت کننده شماره ۱۴).

#### مضمون فرعی ۵- معنویت درمانی:

برای کاهش احساس بی معنایی و پوچی در کنار رویکردهای درمانی شناخته شده می‌توان از رویکردهای معنویت محور نیز بهره گرفت.

" احساس پوچی و بی معنایی پدیده خطرناکی است و می‌تواند اعتقادات فرد را نیز تحت تاثیر قرار دهد. من مدتی است در باره خیلی از موارد از جمله عدالت خداوند، هدفداری جهان و مسائل دیگر فکر می‌کنم. احساس پوچی کم کم دارد به سایر امورات زندگی ام هم تاثیر می‌گذارد. ب نظرم امثال ما نیاز به معنویت درمانی داریم تا حداقل این احساس پوچی در ما افزایش پیدا نکند" (شرکت کننده شماره ۳).

" با اینکه اعتقاد دارم بهترین راه غلبه بر این احساس معنادار کردن زندگی از طریق شغل و امثال اینهاست ولی در صورت نبود شغل تنها چاره ای که برای ما باقی است توسل به دین و معنویت است تا به یک انسان پوچ حداقل تبدیل نشویم" (شرکت کننده شماره ۱۸).

### مضمون فرعی ۶- تغییر نگرش های سنتی:

علیرغم اجتناب ناپذیر بودن آمار بیکاری و فارغ التحصیلان بیکار بخصوص در قشر زنان و پذیرش تدریجی آن توسط جامعه، با تغییر نگرش های سنتی در جامعه و والدین می توان فشار روانی موجود در این قشر را کاهش داد.

" والدین ، آشنایان و دوستان تافته جدا بافته از جامعه ما نیستند. همه باید به این ایده احترام بگذاریم که تحصیلات می تواند در جهت ارتقای یک جامعه نقش ایفا کند. با اینکه من شاید در جامعه به یک شغل مناسب دست نیافته ام ولی یک فرد تحصیل کرده یا یک فرد غیر تحصیل کرده نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی رویکرد یکسانی ندار. این نگرش سنتی که هر فرد تحصیل کرده ای حتما باید پشت میز نشین باشد باید از بین برود. این تغییر نگرش های سنتی می تواند من را از فشارهای روانی نجات دهد تا من با آرامش خاطر بیشتری به هدف گذاری زندگی ام بپردازم" (شرکت کننده شماره ۱۶).

" خیلی از نگرش های سنتی موجود در جامعه آزار دهنده است. با اینکه اکثر خانواده ها در خونه حداقل یک جوان تحصیل کرده بیکار دارن ولی باز هم این طعنه زدن و سرزنش ها و تحقیرها تمامی ندارد. برای ما زنان در کنار این نگرش های نامطلوب دیگر نظیر نگرش ناتوانی زنان در احراز بعضی مشاغل و ناتوانی آنها در کارآفرینی نیز آزار دهنده است و باید اصلاح شوند" (شرکت کننده شماره ۱۹).

### جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی احساس پوچی و بی معنایی دانشجویان فارغ التحصیل

مضامین اصلی	مضامین فرعی
علل و عوامل	- نا امیدي بخاطر نبود شغل
	- احساس حقارت
	- بلاتکلیفی و بی هدف بودن
	- احساس بازنده بودن
	- نبود انگیزه
رفتارهای تخریبی	- سرزنش والدین
	- نیش و کنایه های آشنایان
راههای کاهش حس پوچی و بی معنایی	- بازنگری سیاست های دولتی
	- کارآفرینی دانشجویان
	- مهارت آموزی

- خدمات مشاوره ای
- معنویت درمانی
- تغییر نگرش های سنتی

### بحث و نتیجه گیری

یکی از معضلات اساسی بشری در عصر حاضر احساس پوچی و بی معنایی است. در حالت کلی این احساس تابع شرایط زمانی، مکانی و جغرافیایی، فرهنگی، ویژگی های فردی افراد و بسترهای دینی و غیر دینی است و این شرایط در میزان شدت و ضعف این احساس تاثیر دارد. بررسی پژوهشها نشان می دهد که پدیده‌هایی مانند بیکاری یا ادامه تحصیل در مقاطع بالا بدون بازدهی مناسب و عدم وجود برنامه تنظیم شده اشتغال می تواند بر احساس پوچی فارغ التحصیلان مقاطع تحصیلات تکمیلی دامن بزند. همچنین، در سال‌های آخر دانشگاه از دست دادن هویت، یکی از دلایل اصلی این احساس است و صرف نظر از برنامه های مربوط به اشتغال، فارغ التحصیلی علامت پایان یک دوره است. این علامت ممکن است پایان دوره کار علمی یا پایان زندگی تحصیلی باشد. در هر صورت فارغ التحصیل شدن نشانه تغییر در روال و هویت است. بنابراین جذب فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط به داشتن توانائی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آنها می‌بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می‌رسد عدم تناسب بین فرایندها و مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌ها با مهارت‌ها و توانائی‌های مورد نیاز بازار کار، مهمترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان در کارایی و اشتغال است. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل بیرونی که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است نیز بر اشتغال فارغ التحصیلان تاثیر بسزایی دارند.

پژوهش حاضر با هدف تجربیات زیسته دانشجویان فارغ التحصیلان دختر دانشگاه تبریز از احساس پوچی و بی معنایی انجام گرفت با توجه به یافته ها نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مهمترین دلایل احساس پوچی و بی معنایی دانشجویان دختر فارغ التحصیل نا امیدي بخاطر نبود شغل، احساس حقارت، بلا تکلیفی و بی هدف بودن، احساس بازنده بودن و نبود انگیزه زندگی بخاطر نداشتن تاثیر تحصیل در آینده ی شغلی و بازار کار بود.

در واقع دانشجویان اعتقاد داشتند که ادامه ی تحصیل و داشتن مدرک تحصیلی بالاتر کمکی به آنها در پیدا کردن شغل و جذب در بازار کار نمی‌کند که همه این عوامل باعث افسردگی فارغ التحصیلان می‌شود. سلینگمن<sup>۱</sup> براساس مطالعات خود در مورد افسردگی، زندگی با معنا را نقطه مقابل افسردگی و زندگی افسرده‌وار می‌داند. وی عدم وجود معنا در زندگی را نه تنها یکی از نشانه‌های افسردگی و دیگر مشکلات



روان‌شناختی در نظر می‌گیرد، بلکه نبود معنا را یک علت بروز افسردگی می‌داند... بر خلاف وجود معنا در زندگی، فقدان وجود معنادرزندگی، یا سطوح پایین آن، با برخی از عوامل فشار زایی روانی نظیر افسردگی که (وو و برون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ کوهن و کایرنس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ استیگر وهمکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)؛ پرخاشگری و ناامیدی (براسای، پیکو، استیگر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲) در تحقیقاتشون به نتایج خود دست یافتند. هاگاسچافلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان امید به کار عامل مهم انگیزش رفتار و ساختار شغلی و حرفه‌ای به این نتیجه رسید که امید به کار تأثیر مثبتی بر انگیزش رفتار و ساختار شغلی آینده فرد دارد. هرچقدر میزان امید به اشتغال در آینده، در دانشجویان بیشتر باشد، آنها با نگرش مثبت‌تری به فعالیت‌های تحصیلی نگریده و علاقه‌ی بیشتری به فعالیت‌های کلاسی و علمی پیدا می‌کنند و در این زمینه تلاش بیشتری خواهند داشت که همه‌ی این عوامل می‌تواند از افسردگی فارغ التحصیلان جلوگیری کند. از نظر هم‌رلینک و امری<sup>۶</sup> (۲۰۰۶). انتظارات جامعه و خانواده‌ها از فارغ التحصیلان نیز در روحیه فارغ التحصیلان اثر دارد همچنان که اکثر شرکت‌کنندگان پژوهش نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که طعنه‌ها و سرکوفت‌های خانواده بخاطر نداشتن شغل و درآمد آزار دهنده هست. امروزه آموزش عالی نقش مهمی در بازار کار ایفا می‌کند و پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان می‌تواند نقش عمده‌ای در رسیدن به این مأموریت داشته باشد. و آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی تبدیل شده است و این نظام آموزشی در صورتی اثربخش و کارآمد خواهد بود که بتواند با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی در حال آموزش خویش را به دانش، مهارت و ویژگی‌های کارآفرینان تجهیز کند و روحیه کارآفرینی را در آن‌ها پرورش دهد (ماتیویوک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). مطابق نظریه رولو مای<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) نیز هر چقدر عاملیت انسان در تاثیرگذاری بر زندگی خود و دنیای خود بیشتر باشد احساس پوچی در انسان کاهش پیدا می‌کند. سیاستگذاران آموزشی و تصمیم‌گیران اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی جامعه می‌توانند با گسترش و تعمیق مفاهیم دینی و معنوی و طراحی دوره‌های مشاوره دینی و شغلی در این قشر از فارغ التحصیلان در کاهش این پدیده نقش بسزایی ایفا کنند. از طرف دیگر نتایج به دست آمده از این پژوهش که بیان‌کننده نظرات یک دوره از فارغ التحصیلان دانشگاه تبریز می‌باشد، گویای این مطلب است که افراد مذکور از وضعیت موجود آموزش عالی در دانشگاه‌ها و اشتغال رضایت کامل نداشته‌اند و با توجه به اینکه موضوع اشتغال برای دانشجویان از اهمیت بیشتری برخوردار است، لذا بسیاری از دانشجویان، ادامه‌ی تحصیل را فرصتی برای اشتغال بهتر در آینده نمی‌دانند. بنابراین برای حل این مشکل نیاز است که برنامه‌ریزان آموزشی عالی

1. Woo & Brown
- 2 . Cohen & Cairns
3. Steger and all
4. Brassai . Piko, . & Steger.
- 5 . Huqchaufeli
- 6 . Hamerlinck, J. & Emery, M
- 7 . Matviuk

در سیاست‌های گسترش کمی آموزش عالی تجدیدنظر کنند. باید پذیرش دانشجو و افزایش ظرفیت تحصیلات تکمیلی متناسب با نیازهای کشور و بازار کار باشد.

### Referens

Baumeister, R.F., & Newman, L.S. (1991). How Stories Make Sense of Personal Experience: Motives that Shape Autobiographical Narratives. **Personality and Social Psychology Bulletin**, 20, 676-690

Brassai, L. Piko, B. F. & Steger, M . F. (2012). Existential Attitudes and Eastern European Adolescents' Problem and Health Behaviors: Highlighting The role OF The Search For Meaning In Life. **The Psychological Record**, 62, 719-734.

Cohen, K. & Cairns, D. (2011). Is searching for meaning in life associated with reduced subjective wellbeing? Confirmation and possible moderators. **Journal of Happiness Studie**, 13(2), 313-331.

Coser, L. A. (1971). **Masters of sociological thought: Ideas in historical and social context**. Houghton Mifflin Harcourt P.

Education. NCRCRD Policy Briefs. North Central Regional Center for Rural Development. Feldman DB, Snyder CR(2005). "Hope and meaningful life: Theoretical and empirical accociations between goaldirected thinking and life meaning". **J Soc Clin Psychol**. 24(3): 401-21.

Finlay, L. (2012). **Debating phenomenological methods**. In Hermeneutic phenomenology in education (pp. 17-37). Sense Publishers.

Frankl VE(2011). **Mans Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy**. 1st ed. Tehran. Dorsa pblsher. p. 85.

Fromm, E. (1994). **Escape from freedom**. Macmillan.

Grisworld, W (2003), A methodological framework for the sociology of culture, **Sociological Methodologies**, 17, 1-35.

Hamerlinck, J. & Emery, M. (2006), **Entrepreneurship: A unique opportunity for higher**

Henry, C, Hill, F, and Leitch, C. (2005). Can entrepreneurship be taught, part 1. **Education Training**, Vol.47, pp.98-111.

Ho MY, Cheung FM, Cheung SF(2010) The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. **Pers Individ Diff**; 48: 658-663 .

Huqchaufeli, W. B. (2009). The factorial validity of the Maslach burnout inventory- student survey in China. **Psychological Report**, 105, 394-408.

Imanzadeh, A., & Salahshori, A. (2011). **Analytical and Meta-Analytical Approaches to Philosophy of Education**, Hamadan: Buali Sina University Publications.

Kleftaras G, Psarra E(2006). "Meaning in life, psychological well-being and depressive symptomatology: A Comparative Study meaning in life". **Journal of Counseling Psychology**. 53: 80-93.

Kline, P. (2013). **Fact and Fantasy in Freudian Theory** (RLE: Freud). Routledge.

Krause N. Evaluating the stress-buffering function of meaning in life among older people. **J Agin Heal**, 2007; 19(5), 792-812.

Laverty, S. M. (2003). Hermeneutic phenomenology and phenomenology: A comparison of historical and methodological considerations. **International journal of qualitative methods**, 2(3), 21-35.

Lucas, C. J. **Crisis in the Academy**. London: Macmillan, 1996.

Matviuk, S.G. (2010), A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership, **Journal of American Academy of Business**, Vol.16 , No.1, pp.65-70.

Metz, Thaddeus(2007), "Meaning of life", Stanford encyclopedia of philosophy ,<http://plato.stanford.edu/entries/lifemeaning> .P: 1-4.

May, R. (2009). **Man's search for himself**. WW Norton & Company.

Rayner, D. (1957). Adler and His Psychology: Seen through His Early Memories. **Mental Health**, 16(2), 58.

Seligman MEP, Rashid T, Parks AC(2006) Positive psychotherapy. **Am Psychol**, 61(8): 774-88.

Shelley A., Fahlman Kimberley B., Mercer, P. G., Adrienne, E. Eastwood, John D. Eastwood. (2009). Does a Lack of Life Meaning Cause Boredom? Results from Psychometric, Longitudinal, and Experimental Analyses. **Journal of Social and Clinical Psychology**, 28, 3, 307-340.

Snyder, C.R. (2003). **The Psychology Of Hope: You can get there from here**. New York: Free Press.

Steger, M. F. Mannb, J.R. Michelsb. P, Cooperc, T. C. (2009). Meaning in life, anxiety, depression, and general health among smoking cessation patients, **Journal of Psychosomatic Research**, 67, 353- 358.

Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., Kaler, M. (2006). The Meaningful life Questionnaire: Assessing the Presence of and Search for Meaningful life. **American Psychological Association**, 0022-0167

Todres, L. & Holloway, I.(2006) **Phenomenology**. In The Research Process in Nursing. (eds K. Gerrish & A. Lacey); pp. 224–38. Oxford, Blackwell.

Weijers, Dan (2013), "Optimistic Naturalism: Scientific Advancement and the Meaning of Life," **Sophia**, 53(1), 1–18.

Woo, C.S & Brown E. j. (2013). Role of Meaning in the Prediction of Depressive Symptoms Among Trauma-Exposed and Non trauma-Exposed Emerging Adults, **journal of Clinical psychology**, 69(12), 1269–1283.

Yalom, I. D. (1980). **Existential psychotherapy** (Vol. 1). New York: Basic books.

Yung, Hwa Yol (1973). **Existential Phenomenology and Political Theory**. Chicago: Henry Regency.

Zabihi, MR; Moghaddasi, AR (2006). **Entrepreneurship from Theory to Practice**, Mashhad: Tomorrow's World Publishing.